

شهید سید حسن جعفری



ازتبار علی
سازمانه جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	سید عبدالله
تاریخ تولد	۱۳۳۹/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۰۷/۱۹
محل شهادت	هور
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	آموزش و پرورش
تحصیلات	دیپلم
مدفن	بوشهر

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید سید حسن جعفری در سال ۱۳۳۹ در روستای چاوشی از توابع شهرستان دشتی در دامان خانواده ای مؤمن و مسلمان از نسل پاک پیامبر دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان این روستا به اتمام رسانید. از آنجا که والدین شهید تعلیم و تربیت فرزندانشان را مهمترین مساله می دانستند با عزم و اراده ای راسخ در عین تنگدستی و فقر مالی و با علاقه ای که به زادگاهشان داشتند ابتدا به خورموج و سپس به بوشهر مهاجرت نمودند. شهید دوره راهنمایی را در خورموج گذراند و مدرک دیپلم خود را در رشته اقتصاد از دبیرستان سعادت بوشهر اخذ نمودند.

نامبرده نسبت به انجام فرایض دینی پایبند و مقید و قرآن را با صوتی دلنشین تلاوت می نمودند و بارها در نامه ها و سفارشات خود از جبهه به خانواده اقامه نماز در اول وقت و قرائت قرآن را تاکید می نمودند.

خصوصیات و روحیات آن شهید با آنچه وی به عنوان وصیتنامه به رشته تحریر در آورده اند مطابق است. همزمان با شروع مبارزه همه گیر مردم مسلمان ایران علیه طاغوت، شهید جعفری با شرکت خود در تظاهرات مردمی با تردد بین شهر و روستا اطلاعیه ها و اخبار نهضت را به اطلاع اهالی روستای خود می رساند و در یکی از تظاهرات علیه رژیم نیز مانند دیگر اقشار مردم از ضرب و شتم مامورین سفاک رژیم بی نصیب نماند. با این حال کماکان در مبارزات شرکت و تا سر حد توانایی در این امور کوشا بود.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی و به وجود آمدن نهاد های انقلابی همگام با دیگر ایثار گران در جهاد سازندگی استان بوشهر به خدمت مشغول و به مدت ۲ سال صادقانه خدمت نمود.

شهید جعفری از افراد مبتکر این روستا بود و با همفکری برادران نیروی هوایی طرح ساخت یک هلیکوپتر را پی ریزی منتهی به دلیل فقر مالی و نبودن امکانات موفق به اتمام این طرح نگردید. با شروع جنگ تحمیلی وی از نخستین کسانی بود که جهت دفاع از اسلام به جبهه حق علیه باطل

شتافت و در آزاد سازی بستان و عملیات فتح المبین فعالانه شرکت نمود. در مهر ماه سال ۱۳۶۱ مسئولیت خیلی مهمی را پذیرفته و در روستاهای چاه حسین جمال، گنخک شیخا و شنبه از توابع شهرستان دشتی مشغول انجام وظیفه گردید. در سال ۱۳۶۲ ازدواج نمود که از وی یک فرزند ذکور به نام سید حسین یادگار مانده است.

همانطور که از وصیتنامه شهید مشهود است علاقه و میل وافری به جبهه داشت و بارها این میل باطنی را با این کلام بیان می نمود: بهترین مکان برای من جبهه است و در آنجا خاطرم آرامش می یابد. بر همین اساس جبهه را بر کار تدریس مقدم دانسته و کلاس را به مقصد جبهه های نبرد ترک می نمود و در فرصتی خود را به همزمانی می رسانید. در دفعات مختلف در جبهه های جنوب و غرب شرکت جسته و به دفاع از اسلام پرداخت. آخرین بار نیز در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۶۴ مجدداً به جبهه عزیمت نمود و پس از گذراندن دوره آموزش عملیات دریایی در یگان دریایی بسیج در جزیره مجنون به نبرد پرداخت. سرانجام در مورخه ۱۹/۷/۱۳۶۴ در آن جزیره به آرزوی دیرینه خود یعنی فیض عظیمی شهادت نائل آمد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد
معرفی پدر و مادر شهید

سید عبد الله باقری پدر شهید سید حسن جعفری در سال ۱۳۰۹ در روستای چاوشی متولد شد پدرش سید حسین و مادرش بی بی پریراد می باشد پس از دوران کودکی در مکتب خانه قرآن را نزد سید جعفر و خواندن و نوشتن را نزد ملا عباس روحانی آموخت .

به جهت محرومیت منطقه و فقر مالی امکان ادامه تحصیل را نیافت . کم کم دوش به دوش پدر به کار دامداری و کشاورزی پرداخت . ایشان پس از فوت پدر در سال ۱۳۲۷ که سرپرستی مادر و برادر و خواهرانش را عهده دار بود و جهت تأمین محتاج زندگی راهی کویت شد . پس از چندی به زادگاه خود بازگشت و با بی بی زبیده جعفری فرزند سید حسین دختر عمویش ازدواج کرد .

خداوند سید حسن - سید علی - بی بی خدیجه - بی بی بتول و بی بی فاطمه را به این خانواده عطا فرمود. سید عبد الله در سال ۱۳۴۳ باز به کویت و دبی و ابوظبی رفت و از آن به بعد در چند شرکت راه و ساختمان در بوشهر دست به کار شد و بالاخره در سال ۱۳۵۵ در نیروی دریایی بوشهر استخدام شد پس از پیروزی انقلاب اسلامی از بوشهر به چغاک آمد و در آنجا سکونت گردید .

ایشان فردی رئوف ، شوخ و خوش رفتار و همیشه ضمن رعایت ادب و احترام پدری با فرزندان خود مانند یک دوست ارتباط دارد در طول زندگی کسی از ایشان چه در خانه و چه در اجتماع و محیط کار رنجیده خاطر شده و ایشان فردی متین و خود دار و در مقابل حوادث ناگوار از بیهوده گویی پرهیز دارد .

اهل تفریح و گردش و با افراد پیر و جوان سازگار بود .

بی بی زبیده جعفری فرزند حسین در سال ۱۳۲۷ در خانه سید عبد الله در تمام مراحل زندگی همسری مهربان و وفا دار بود و مادری فداکار و دلسوز برای فرزندان خود بوده است . بخصوص از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۲ که سید عبد الله اکثر اوقات در خارج از کشور بود و مدیـــــــــــــــریت و سرپرستی این فرزندان بر دوش این زن (بی بی زبیده) بوده است مادر شهیدزنی خوش قلب و خوش بیان بوده از درشت گویی و سخنان ناروا پرهیز دارد .

وصیت نامه

به نام خدای شهیدان خدای حسین و حسینیان

اینجانب سید حسن جعفری از اهالی روستای چاوشی از توابع شهرستان دشتی خورموج و متولد سال ۱۳۳۹ روستای چاوشی به یاری خداوند متعال و برای خدای بزرگ عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل به کربلای خونین ایران می روم تا بلکه بتوانم به خدمات الهیانه حق پیر دازم تا بلکه الطاف بزرگ خداوند شامل اینجانب هم شود که از همه فیضها و همه تکامل ها بالاتر شهادت است خداوند به امید خودش بنده را مورد لطف قرار دهند و بنده هم به این فیض بزرگ نائل گردم

و کمی در باره انسان — اسلام — شهادت — مزاحم اوقات شریف شما می شوم و صحبت را از همین جا شروع می کنم .

انسان از بدو تولد خصلت خدا جویانه دارد یعنی خدا را می بوید ولی به او نمی رسد خدا انسان را خلق کرد که نمونه ای از قدرت خود را به ملائک و خود انسان نشان دهد ولی خود انسان از بدو تولد چنین چیزی را نمی داند تا اینکه به دوران جوانی می رسد و به دوران عشق و عاشقی می رسد هر جوانی که به آن مبتلامی شود یعنی مثلاً عاشق یک معشوقه می شود اما حالا که انسان به معشوقه اش می رسد گاه که انسان به مکان دیگری می رود معشوقه اش را زیباتر از معشوقه خود می بیند . به او دل می بندد و همینطور یا در مورد مسائل و امکانات زندگی هر کدام سعی می کنند از یکدیگر برتری جویند و یا در صحبت کردن و یا در امکانات زندگی یا در زیبایی که اینجا حتماً هست و وجود دارد.

این همان خصلت برتری جوئی و خصلت متعالی جوئی و به سوی تعالی رفتن انسان است که خصلت خدا جویی انسان است که می خواهد کامل شود و به خدا برسد یعنی به لقا خداوند برسد.

اما نمی داند و خدا را در تکامل مادی و علمی یعنی دانش می داند . البته تکامل دانش به انسان آگاهی می بخشد که خدا را بشناسد ولی تابه خدا ملحق نشده است

در این مسائل او را جست وجو می نماید و سر انجام به بهترین راه ملحق شدن به خدای بزرگ فیض بزرگ شهادت است که خداوند مردم ما را گرامی داشته و در این زمان و در این مقطع عصری شامل حال ملت و جمعیت ما گردیده است به امید خداوند که این فیض کامل همچون همه فیضهایی که شامل ما گردیده است شامل بنده هم گردد (انشا الله تعالی) این چند کلمه ای که مزاحم اوقات شریف سروران گرامی شدم ، والسلام علی من اتبع الهدی . در آخر با پدر و مادر و همسر و فرزندانم خدا حافظی می کنم و از شما می خواهم مرا حلال کنید . شما را به خدا سوگند می دهم برای من گریه نکنید و مرا حلال کنید . برادر و خواهر خدا حافظ و مرا حلال کنید و همه دوستان و اقوان خدا حافظ و مرا حلال کنید .

والسلام سید حسن جعفری

خاطرات

خاطره [۱]

مشارکت شهید جعفری در کارهای عمومی همزمان بود با سال ۵۷ که مخالفت‌های مردم علیه رژیم شاه کم کم در کلیه مناطق کشور ایران قوت می گرفت مردم در مساجد و حسینیه ها و تکایا حضور پیدا می کردند و به بیان جنایتها و ستمهای حکومت شاه می پرداختند و هر روز بیش از بیش مردم آگاه تر می شدند اعلامیه حضرت امام خمینی (ره) به سرعت در تمام نقاط کشور پخش می شد.

شهید جعفری هر چند پدرش به سبب موقعیت کاری در بوشهر سکونت داشت اما علاقه زیادی به زادگاهش چاوشی داشته و بیشتر اوقات خود را در آن ایام در کنار اقارب و اقوام خود در چاوشی می گذراند.

او هم در جمع بقیه در مسجد و حسینیه و تظاهرات در چاوشی و خورموج و بوشهر و هر جا که لازم بود شرکت می کرد.

ما در آن سال با مشارکت مردم مشغول راه اندازی دو دستگاه ژنراتور برق در روستای چاوشی بودیم و شهید جعفری یکی از نیروهایی بودند که با علاقه مندی از آغاز تا پایان مشارکت و همکاری فعال داشتند و سیم کشی منازل بدون توقع و چشمداشت تا آنجا که ممکن بود برای مردم انجام می داد.

شهید جعفری تا قبل از اینکه بعنوان به کار شود بی کار بودند و برای گذراندن زندگی احتیاج به پیدا کردن کار داشت چون از لحاظ فنی فردی علاقه مند و با استعداد بود اقدام به خرید وسائل اولیه تعمیرات یخچال کردند.

شهید جعفری به قرائت قرآن علاقه مند بود و قرآن را با صوت و لحنی خوش و گیرا قرائت می کرد و شنونده را مجذوب خود می کرد فردی خوش قلب و مهربان و بسیار حساس بود و در مقابل نا ملایمات متاثر می شد.

۱۲- نقل خاطره از سید حبیب الله علوی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران